

تحلیلی بر نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی شهر شهر کرد)

رسول ربانی^۱، صفدر حبیبی^۲

چکیده

فضاهای شهری و مناسبات اجتماعی، به صورت انکارناپذیری با هم پیوند دارند؛ کنش اجتماعی با فضاهای شهری شکل می‌گیرد و این فضاها خود، توسط اجتماع تولید می‌شوند. این نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی را در شهر شهرکرد بررسی می‌کند. روش تحقیق، پیمایش و جامعه آماری، شامل کلیه شهروندان ۱۶ سال به بالای شهر شهرکرد بوده است که از بین آنها ۳۸۴ نفر با کمک تکنیک تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای، به عنوان نمونه انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. در این پژوهش، تناسب،

هویت، سرزندگی، و دسترسی به فضای شهری، به عنوان متغیرهای مستقل و اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی، که مولفه‌های سرمایه اجتماعی هستند، به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند. استنباط آماری از داده‌ها مشخص ساخت که میزان سرمایه اجتماعی با توجه به وضعیت کیفی فضاهای شهری، به صورت معناداری متفاوت است، به گونه‌ای که هرچه شاخص‌های فضاهای شهری بهبود می‌یابد، میانگین سرمایه اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند و بالعکس.

واژه‌های کلیدی: فضای شهری، هویت، تناسب، سرزندگی، سرمایه اجتماعی

مقدمه

فضا از سویی، همزمان، وسیله و نتیجه، پیش شرط و پیامد عینی کنش و روابط اجتماعی است و از سوی دیگر بستری است که فرآیندها و عمل اجتماعی در آن ساخته و بازتولید می‌شوند. فضاهای شهری، بعنوان عرصه‌های زندگی اجتماعی، مکان‌هایی برای جامعه جویی، وابستگی و مبادله اجتماعی و برخورد رسمی با دیگران هستند. این فضاها با در نظر گرفتن کارکردشان، توانایی گسترش حوزه عمومی را داشته و قادرند بر شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی، اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی تاثیر مثبت یا منفی بگذارند. همچنین می‌توانند حس همیاری، همراهی، تلاش جمعی، آزادی و... و برعکس آن را به مخاطبان خود القا کنند.

طرح مسأله

از سویی شهر مدرن و فضاهای شهری جدید، ارتباطات و تعاملات سنتی را دگرگون نموده و کنش‌های اجتماعی جدیدی را جایگزین آن می‌کند که ویژگی اصلی آن افزایش ارتباط‌های غیرشخصی و ابزاری است. در این فضاها، پیوندهای اجتماعی کمرنگ شده و مردم فاصله اجتماعی خود را حتی در فشار جمعیت حفظ می‌کنند. از سوی دیگر امروزه

بویژه در کشورمان، عرصه‌های اجتماعی و فضاهای شهری یا از میان رفته‌اند و یا تغییر چهره داده‌اند. اغتشاش در محیط شهری و شکل‌گیری فضاهای گمشده و بی‌هویت، که فاقد عناصر ارتباطات اجتماعی و تعاملات انسان‌ها با یکدیگر و محیط هستند به یک امر عام تبدیل شده است. در این تحقیق مسأله اصلی این است که بین فضاهای شهری و سرمایه اجتماعی چه ارتباطی وجود داشته و اساساً این فضاها چه نقشی در ایجاد سرمایه اجتماعی دارد. برای بررسی اثرات فضای شهری بر روی سرمایه اجتماعی از روش پیمایش استفاده شده و فضای شهری به عنوان متغیر مستقل و همبستگی، مشارکت و اعتماد اجتماعی به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

بررسی رابطه بین فضای شهری و کنش اجتماعی، همواره از جمله موضوعات مورد مطالعه جامعه‌شناسان شهری بوده است. در دیدگاه جامعه‌شناسان فرهنگ‌گرا، شهر و ساخت شهری عموماً علت به وجود آورنده یک شیوه زندگی یا شکل فرهنگی خاص در نظر گرفته می‌شود. فرهنگ‌گرایان شهری، شهر را معمولاً کانون یادگیری اکتسابی، ارتباطات، جمع‌های خصمانه، سروصدا، جاه‌طلبی، فردگرایی، آزادی، تنهایی و گمنامی، بدی و زشتی، بی‌تفاوتی، تعقل و خرد ورزی، ابزار گرایی، نقش‌ها و روابط رسمی و غیر شخصی و... می‌دانند. از طرفی دیگر در مکتب ساختارگرایی، شهرها و پدیده‌های شهری بخشی از یک جامعه وسیعتر محسوب می‌شوند و برای شناخت عمیق‌تر و منطقی‌تر مسایل شهری باید کل جامعه که شهر نیز جزئی از آن است مورد بررسی قرار گیرد (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۳۱). به عنوان نمونه در اندیشه تالکت پارسونز، روابط اجتماعی با عناصر فیزیکی و آرایش ارضی گره خورده است. وی اعتقاد دارد تمام کنش‌گران در نظام اجتماعی، در کنار سایر چیزها، ارگانیزمی فیزیکی‌اند که باید در فضای فیزیکی به یکدیگر مرتبط شوند. این مفهوم، بدان معناست که موقعیت ارضی ذاتا در تمام کنش‌ها وجود دارد (پارسونز، به

نقل از افروغ، ۱۳۷۷: ۴۳). هانری لوفور^۱ (۱۹۹۴) نیز اعتقاد دارد فضا یک محصول اجتماعی است. وی فضا را نه یک موجود ذهنی و نه یک موجود عینی می‌داند، بلکه از دید او فضا یک واقعیت اجتماعی است، فضا مجموعه‌ای از روابط و اشکال اجتماعی است. به عقیده عده‌ای دیگر از جامعه‌شناسان شهری، فضاهای شهری می‌توانند به عنوان ساخت دهنده فرایندها و مناسبات اجتماعی در نظر گرفته شوند. به تعبیری، فضاهای شهری قادرند علت کنش‌های اجتماعی بین کنش‌گران شوند و آن‌ها را سمت و سو ببخشند. گئورگ زیمل اعتقاد دارد «مناسبات فضایی» از یک سو، تنها شرط و از طرف دیگر، نماد «مناسبات انسانی» است. سازمان فضا، هم متضمن پایه مناسبات اجتماعی است و هم نشان دهنده بازتاب آن‌ها (زیمل به نقل از تانکیس، ۱۳۸۸: ۴). در دیدگاه متفکران نافضایی، فضا چیزی بیرون و مقدم بر جامعه نیست، چیزی است که توسط خود جامعه ایجاد شده است. بر این اساس، پدیده فضایی، پدیده‌ای اجتماعی است. کاستلز، از جمله این متفکران می‌گوید: «فضا، جامعه است، یکی از ابعاد عمده و مادی آن است، بنابراین اشکال فضایی، حداقل روی زمین، همانگونه که دیگر اشیا این چنین‌اند، توسط عمل یا کنش انسانی تولید می‌شوند. همچنین به اعتقاد دیوید هاروی، اشکال فضایی به مثابه محیط و اشیای بی‌جانی نیستند که درون آن فرایندهای اجتماعی رخ بدهد بلکه این اشکال، خود سرشار از فرایندهای اجتماعی‌اند همان‌گونه که فرایندهای اجتماعی، به یک معنا، فضایی‌اند. برای فهم مطلوب شکل فضایی شهر به یک فلسفه فضای اجتماعی نیازمندیم؛ فضای اجتماعی بی‌که تنها با ارجاع به فعالیت‌های اجتماعی درک شدنی است. سیمای فضایی یک مکان، در واقع منعکس‌کننده روابط اجتماعی است. به زعم هاروی، فهم فضا با همه پیچیدگی‌هایش وابسته به درک فرایندهای اجتماعی است و فهم فرایندهای اجتماعی نیز وابسته به درکی از شکل فضایی است (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۱).

همچنین جین جیکوبز^۱ (۱۹۹۸) درباره اشکال سودمندی‌های اجتماعی‌ای که شهرها می‌توانند مروج آن باشند، صحبت می‌کند. جیکوبز اعتقاد دارد بین تار و پود فیزیکی شهر و بافته‌های کنش متقابل اجتماعی درون آن ارتباط مستقیم وجود دارد. وی برخی ویژگی‌هایی که شهر را کارآمد می‌کنند در نظم محلی خیابان، شناسایی می‌کند. او روایت خود را از جامعه جویی شهری بیشتر بر مبنای ارتباط‌های هر روزه کوچک که خیابان‌ها و فضاهای عمومی، صحنه ترکیبی شهری را سرزنده می‌سازد، قرار داده است. علاوه بر این، شهر مدرن و فضاهای شهری جدید، تأثیرات عمیقی بر ابعاد روانشناختی فرد و فرهنگ انسانی بر جای می‌گذارد. زیمیل در مقاله‌ای تحت عنوان «کلان شهر و حیات ذهنی» به شرح این تأثیرات می‌پردازد: تحریکات عصبی ناشی از تغییر سریع وبدون وقفه محرک‌های برونی و درونی و دزدگی ناشی از آن، نیاز به اتکا به عقل و عقل‌گرایی، دقت و وقت شناسی، احساس تنهایی، انزوا و از خود بیگانگی، شی‌وارگی انسان‌ها به دلیل اقتصاد پولی و عقلانیت حاکم بر زندگی شهری، ارزش زدایی از هنر، تکنولوژی، علم و... (زیمیل، ۱۳۷۲: ۵۷). فضاهای شهری، همچنین با در نظر گرفتن نقش و کارکردشان می‌توانند زمینه‌های گسترش حوزه عمومی که مد نظر هابرماس بود را فراهم کرده و در جهت تقویت آن مؤثر واقع شوند. حوزه عمومی از این حیث، عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند. هر کس بالقوه حق شرکت در این فضا را دارد و هیچ کس را امتیازی نسبت به دیگران در این فضا نیست، چنین موقعیتی است که نقش دولتمردان یا عناصر سرمایه دار و با نفوذ را هم ارز نقش «شهروندان عادی» می‌کند. حوزه عمومی در مقابل حوزه‌های تاریک قدرت و منافع خصوصی، حوزه روشنی است. هرچه حوزه عمومی بیشتر گسترش یابد و هرچه حوزه قدرت بیشتر در آن جذب شود، زمینه عقلانی شدن دولت و سیاست بیشتر گسترش می‌یابد. از این قرار حوزه عمومی، حوزه‌ای مستقل و سازمان یافته است که در عین حال که تنظیم رفتار شهروندان و محدود ساختن مداخلات

دولتی را برعهده دارد، میانجی مناسبات دولت و اتباعشان نیز هست (هابرماس، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

فضاهای شهری، به عنوان عرصه‌های زندگی اجتماعی، بستری برای انجام تعاملات و ارتباطات اجتماعی هستند، در این عرصه‌ها فرصت آن وجود دارد تا کنش گران خارج از عرصه‌های خصوصی و نیمه خصوصی، با دیگرانی که نمی‌شناسند در استفاده از یک فضا، سهیم شده و در آن فعالیت نمایند. این فضاها با توجه به خاصیت عمومی و اجتماعی که دارند می‌توانند به ساخت و بازتولید مناسبات اجتماعی کمک نموده و باعث تقویت آن‌ها شوند. فضاهای شهری دارای زبانی هستند که می‌توانند با مخاطبان خود، ایجاد ارتباط کرده و کنش و روابط اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار دهند. «شوای، اعتقاد دارد فضای شهری موجب تسهیل روابط اجتماعی و پالایش ساخت اجتماعی می‌شود» (شوای به نقل از حبیبی، ۱۳۷۵). همچنین کوین لینچ^۱ (۱۹۷۲)، اعتقاد دارد فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود و در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شده و برخوردهای از پیش تدوین نیافته اتفاق افتاده و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم ارتباط برقرار می‌کنند. در فضای شهری است که رفتارهای جامعه جویی و همگرایی شهروندان به منصفه ظهور می‌رسد و این رفتارها می‌تواند به تفاهم، پیوند و همبستگی اجتماعی بیانجامد. «فضای شهری با تسهیل جریان شهروندی از طریق حس تعلق انسان به محیط (فضای ساخته شده از جنبه کالبدی) و به اجتماع (از طریق تسهیل کنش‌های متقابل انسان‌ها با یکدیگر) حیات مدنی را به کالبد شهر تزریق خواهد نمود. نقش اصلی فضای شهری در فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسان‌ها با یکدیگر تعریف می‌شود» (حبیبی، ۱۳۷۸: ۳۱).

از دیدگاه جیمز کلمن^۲، مفهوم سرمایه اجتماعی نشان دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. کلمن سرمایه

اجتماعی را از دیدگاه عملی اینچنین تعریف می‌کند: تنوعی از موجودات با دو عنصر مشترک: همه آنها بخشی از ساختارهای اجتماعی را شامل می‌شوند و بعضی از فعالیت‌های عاملان را در آن ساختار تسهیل می‌کنند. به عبارتی دیگر، سرمایه اجتماعی هر آن چیزی است که ناشی از شبکه روابط، اعتماد، حس عمل متقابل و هنجارهای اجتماعی که موجب تسهیل فعالیت فردی یا اجتماعی شود. از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی یک منبع خنثی است که هر نوع عملی را تسهیل می‌کند، اما اینکه جامعه از آن نفع می‌برد یا خیر کاملاً وابسته به کاربرد آن در یک موقعیت خاص است (کلمن، ۱۹۸۸). سرمایه اجتماعی در مورد مدینه فا ضله سخن نمی‌گوید، جهان ایده آلی که همه ما خوب هستیم و رفتارمان مناسب است، بلکه در مورد اندازه گیری کیفیت روابطی بحث می‌کند که امکان دارد رفاه را افزایش یا کاهش دهند (کاکس به نقل از شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۴). پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان اعتماد، هنجارها و شبکه‌های پیوند تعریف می‌کند که همکاری کنش‌گران برای نیل به سود متقابل را تسهیل می‌کند. نتیجه این همکاری انواع متفاوتی از کنش‌های جمعی است. بر اساس گفته رابرت پاتنام، سرمایه اجتماعی «به ارزش جمعی همه شبکه‌های اجتماعی و تمایلات ناشی از این شبکه‌ها برای کمک به یکدیگر اشاره دارد». بر اساس نظر او و پیروانش، سرمایه اجتماعی عنصری کلیدی در بنا کردن و برقراری دموکراسی است (ویتنر^۱، ۲۰۰۰). پاتنام در بررسی عناصر سرمایه اجتماعی، مشارکت‌های مدنی را از اشکال ضروری به شمار می‌آورد و معتقد است هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است و باعث می‌شود که هزینه‌های بالقوه عهد شکنی در هر معامله‌ای افزایش یابد. «هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کند، ارتباط را تسهیل و جریان اطلاعات را در مورد اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشد و شبکه‌های مشارکت مدنی تجسم موفقیت پیشینیان در همکاری است» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸-۲۹۷).

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این بررسی برگرفته از نظریه‌های گئورگ زیمل، تالکت پارسونز، جین جیکوبز، فرن تانکیس، یورگن هابرماس، والتر بنیامین و رابرت پارک است. زیمل اعتقاد دارد مناسبات فضایی، از یکسو تنها شرط و از طرف دیگر نماد مناسبات انسانی است. سازمان‌دهی فضا هم متضمن پایه مناسبات‌های اجتماعی است و هم نشان‌دهنده بازتاب آنها. مفاهیم اساسی در این نظریه، مناسبات فضایی و مناسبات انسانی است. همچنین پارسونز معتقد است تمام کنش‌گران در نظام اجتماعی، در کنار سایر چیزها، ارگانیزمی فیزیکی‌اند که باید در فضای فیزیکی به یکدیگر مرتبط شوند. این مفهوم، بدان معناست که موقعیت ارضی ذاتاً در تمام کنش‌ها وجود دارد. که در این نظریه، نظام اجتماعی، فضای فیزیکی و موقعیت ارضی از جمله مفاهیم اساسی قلمداد می‌شوند. از طرف دیگر جیکوبز نیز اعتقاد دارد: بین تار و پود فیزیکی شهر و بافته‌های کنش متقابل اجتماعی روابط تاثیر گذار وجود دارد. تار و پود فیزیکی شهر و بافته‌های کنش متقابل اجتماعی نیز از جمله مفاهیم اساسی در این نظریه هستند. بر این اساس سه فرضیه اول تحقیق که عبارتند از: ۱- میزان سرمایه اجتماعی با توجه به وضعیت کیفی فضاهای شهری متفاوت است ۲- بین تناسب فضای شهری و سرمایه اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد و ۳- بین سرزندگی فضای شهری و سرمایه اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد، برگرفته از این نظریه‌ها هستند.

در خصوص دسترسی به فضاهای شهری، فرن تانکیس معتقد است آرمان اولیه فضای عمومی بر مبنای برابری در دسترسی است، اگرچه زندگی واقعی، مبین این است که این فضاها صرفاً بر حسب دسترسی بنا نشده‌اند، بلکه از راه اشکال کنترل و طرد، سازمان یافته‌اند. حقانیت فضای جمعی، بیان آشکار، معمولی و پایه‌ای تعلق عمومی است. جایی که فضاهای عمومی غیرقابل دسترسی، ناسازگار یا گران‌اند و یا به وسیله خصوصی‌سازی نابود شده‌اند، فروکاهیدن حس عمومی را که چنین توسعه‌هایی را در وهله نخست مصلحت‌آمیز می‌نمایند، تشدید می‌کند. مفاهیم اساسی در این نظریه، برابری، دسترسی و تعلق عمومی است. یورگن هابرماس نیز اعتقاد دارد حوزه عمومی عرصه‌ای است که در آن

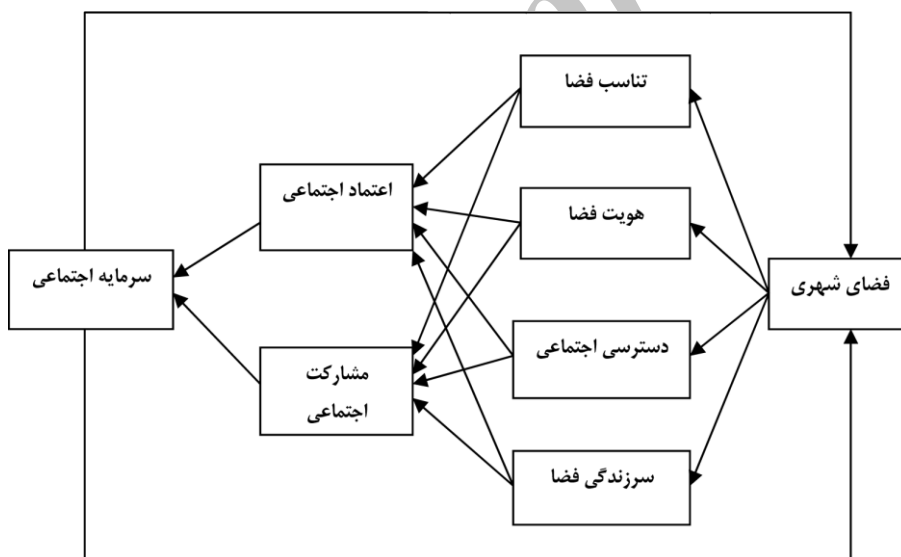
افراد برای مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند. حوزه عمومی به معنی دقیق کلمه عرصه‌ای است که هیچ حد و حدودی بر فعالیت آن وضع نشده باشد و حوزه عمومی، حوزه عقلانی، حقیقت یاب و حقیقت ساز جامعه است. هر کس بالقوه حق شرکت در این فضا را دارد، و هیچ کس را در این فضا امتیازی نسبت به دیگران نیست، چنین موقعیتی است که نقش دولتمردان یا عناصر سرمایه دار و با نفوذ را هم ارز نقش «شهروندان عادی» می‌کند. مفاهیم اساسی در این نظریه، حوزه عمومی و حوزه عقلانی است. که فرضیه چهارم پژوهش برگرفته نیز برگرفته از این نظریه‌هاست: ۴- بین دسترسی به فضاهای شهری و سرمایه اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

درباره هویت (معنی) فضای شهری والتر بنیامین اعتقاد دارد: رابطه پیچیده‌ای بین معناها فردی و جمعی و خاطره شخصی و فرهنگی در شهر وجود دارد، در واقع شهر یک عرصه پیچیده ادراک و خاطره است. معنای شهری می‌تواند به عنوان یک دارایی از فضا، ساختمان‌ها و اشیای مورد توجه قرار گیرد؛ یکی از روش‌های رمز گشایی این معانی، روشی است که باستان‌شناسان به آن روش، ویرانه‌ها را مفهوم می‌کنند. مفاهیم اساسی در این نظریه، معناها فردی و جمعی، معنای شهری و دارایی فضاهاست. در این رابطه رابرت پارک معتقد است سه شیوه مختلف از تعریف «اجتماع» وجود دارد که اولین آن بر پایه مدلی از محلّیت قرار داد که در آن اجتماع‌ها گرد مکان باز نمایی می‌شوند. در این مدل اجتماع شهری، معلول مکان است. دومین تعریف، مدلی اجتماعی است که در آن، اجتماع‌ها وسیله شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی تعریف می‌شوند. سومین که با پنداره پارک در مورد « محیط اخلاقی » پیوند دارد مدل عاطفی اجتماع است، که در آن هویت‌ها و علائق مشترک باعث به وجود آمدن احساسی از تعلق و وابستگی می‌شوند. سازندهای اخلاقی پارک در بخش‌های خاصی از شهر فضایی شده و باقی می‌مانند ولی اجتماع‌های عاطفی شامل گروه‌هایی هستند که از نظر فضایی پراکنده‌اند. مفاهیم اساسی در این نظریه مدل اجتماع شهری، مدل عاطفی و هویت‌ها و علائق مشترک است. که فرضیه آخر پژوهش از این

نظریه‌ها استخراج شده است: ۵- بین هویت (معنی) فضای شهری و سرمایه اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

مدل تحلیلی پژوهش

فضای شهری و شاخص‌های آن (تناسب فضا، معنا (هویت) فضا، میزان دسترسی اجتماعی و سرزندگی فضا) در کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی و مولفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی) اهمیت قابل توجهی را دارند. بنابراین از آنجا که قصد داریم در این تحقیق تاثیر فضای شهری را بر انسجام، اعتماد و مشارکت اجتماعی تبیین کنیم روابط زیر را ترسیم می‌کنیم:



شکل شماره ۱: مدل تحلیلی

روش تحقیق

در این تحقیق، روش استفاده شده، روش پیمایش از نوع همبستگی و به صورت مقطعی (در یک زمان خاص) است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه شهروندان بالای ۱۶ سال در ۲ منطقه و ۱۴ محله شهر شهرکرد در سال ۱۳۹۰ بوده است که مطابق آخرین آمار و اطلاعات، تعداد ۱۰۳۱۴۹ نفر بوده‌اند و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفته که با توجه به نوع متغیر و گویه‌های پرسشنامه از آزمون‌ها در دو سطح توصیفی: فراوانی، درصد و میانگین و در سطح استنباطی (آزمون تحلیل واریانس و آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن) استفاده شده است. فرضیه‌های تحقیق عبارتند از: ۱- میزان سرمایه اجتماعی با توجه به وضعیت کیفی فضاهای شهری متفاوت است. ۲- بین تناسب فضاهای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد ۳- بین معنی (هویت) فضاهای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد ۴- بین سرزندگی فضاهای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد ۵- بین دسترسی به فضاهای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.

شهرکرد، مرکز استان چهارمحال و بختیاری، در غرب کشور قرار گرفته است. این شهر در دامنه جنوبی ارتفاعات قراول خانه و کلاه قاضی، در جلگه‌ای وسیع قرار دارد که مساحت آن ۱۶۷۴ هکتار است. در یک نگاه اجمالی به وضعیت کالبدی شهرکرد، می‌توان چند بافت شهری را متمایز نمود: الف - بافت نسبتاً قدیمی مرکز شهر ب - بافت میانی ج - بافت جدید شهر. بررسی علل و عوامل توسعه شهرکرد، نشان می‌دهد که مسائل متعددی در شکل آن مؤثر بوده‌اند که از جمله عوامل محیطی و انسانی از بارزترین آنهاست.

جدول شماره ۲: تعداد نمونه اخذ شده و وضعیت امکانات فضای شهری بر حسب منطقه و

محلّه در شهر شهرکرد

ردیف	منطقه	محلّه	تعداد نمونه	درصد	وضعیت امکانات فضای شهری ^۱
۱	یک	محلّه دو (اشکفتک)	۶۳	۱۶,۴	ضعیف
	دو	محلّه سه (بهارستان)	۶۶	۱۷,۰۲	
۳	یک	محلّه چهار (کوی شهرداری)	۶۴	۱۶,۷	متوسط
	دو	محلّه پنج (میرآباد شرقی)	۶۲	۱۶,۱	
۵	یک	محلّه هفت (فرهنگیان)	۶۶	۱۷,۲	خوب
	دو	محلّه چهار (گودال چشمه)	۶۳	۱۶,۴	
		جمع	۳۸۴ نفر	۱۰۰	

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی: یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد که از تعداد کل پاسخگویان را ۳۸۴ نفر، بوده‌اند، ۱۸۹ نفر (۴۹/۲ درصد) زن و ۱۹۵ نفر مرد بوده‌اند و پایینترین سن پاسخگویان ۱۶ سال و بالاترین آن ۸۱ سال بوده است. میانگین سن پاسخگویان ۳۵ سال و بیشترین فراوانی مربوط به سن ۲۷ سال بوده است. همچنین از ۳۸۴ نفر پاسخگو، ۲۰ نفر (۵/۲ درصد) بی سواد، ۱۳ نفر (۳/۴ درصد) دارای سواد خواندن و نوشتن، ۱۷ نفر (۴/۴ درصد) پنجم دبستان، ۳۳ نفر (۸/۶) سیکل (راهنمایی)، ۵۶ نفر (۱۴/۶ درصد) دیپلم، ۹۷ نفر (۲۵/۳ درصد) فوق دیپلم، ۱۲۶ نفر (۳۲/۸) دارای تحصیلات کارشناسی، ۲۰ نفر (۵/۲ درصد) کارشناسی ارشد و ۲ نفر (۵/۰ درصد) دکتری بوده‌اند. همچنین بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات کارشناسی با ۳۲,۸ درصد از کل پاسخگویان بوده است. و نیز

۱ - این تقسیم بندی براساس اطلاعات و آمار شهرداری شهرکرد در خصوص امکانات فضای شهری در ۲ منطقه و محلات ۱۴ گانه، انجام و برآورد شده است و شامل: جمعیت محلّه، مساحت محلّه، تعداد کارگاه‌ها، مساحت فضای سبز محلّه، تعداد مغازه‌ها، تعداد واحدهای آموزشی، تعداد بلوک‌های آماری، تعداد اداره‌ها و بانک‌ها و... است.

از ۳۸۴ نفر پاسخگو، ۱۱۴ نفر مجرد (۲۹/۷ درصد)، ۲۶۴ متأهل (۶۸/۸ درصد)، ۱ نفر مطلقه (۳/۳ درصد)، و ۵ نفر (۱/۳ درصد) همسر فوت شده بودند. همچنین از ۳۸۴ نفر پاسخگو، ۲۷۰ نفر (۷۰/۳ درصد) در شهر شهرکرد متولد شده‌اند و تعداد ۱۱۴ نفر (۲۹/۳ درصد) در متولد دیگر شهرها و روستاها بوده‌اند.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون مقایسه میانگین های سرمایه اجتماعی و شاخص های فضای شهری در محلات شهرکرد

وضعیت کیفی فضاهای شهری (محلات)		سرمایه اجتماعی		تناسب فضای شهری		هویت فضای شهری		سرزندگی فضای شهری		دسترسی به فضای شهری	
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
ضعیف	۳۱/۸۸	۵/۲۷۵	۶۱/۰۱	۱۶/۶۵۰	۳۶/۸۲	۱۱/۴۰۵	۴۲/۲۷	۱۳/۶۵۱	۵۵/۳۳	۱۷/۷۰۶	
متوسط	۳۳/۴۲	۵/۰۹۱	۷۷/۵۹	۱۴/۱۳۷	۴۶/۱۴	۱۱/۶۹۲	۵۰/۱۸	۱۰/۱۱۹	۶۲/۸۹	۱۴/۶۲۷	
خوب	۳۹/۶۲	۷/۳۵۵	۹۴/۰۰	۱۳/۳۷۳	۵۲/۶۲	۱۰/۷۶۷	۵۶/۹۲	۱۴/۷۰۵	۶۵/۳۱	۱۴/۶۲۵	
جمع پاسخگویان	۳۸۴ نفر	۳۸۴ نفر	۳۸۴ نفر	۳۸۴ نفر	۳۸۴ نفر	۳۸۴ نفر	۳۸۴ نفر	۳۸۴ نفر	۳۸۴ نفر	۳۸۴ نفر	

یافته‌های تحلیلی: نتایج آزمون مقایسه میانگین‌های شاخص‌های فضای شهری (تناسب، هویت، سرزندگی و دسترسی) و سرمایه اجتماعی در محلات ضعیف، متوسط و خوب، به خوبی مشخص کرد که در آنجا که میانگین شاخص‌های فضای شهری (تناسب، هویت، سرزندگی و دسترسی به فضای شهری) در حد پایینی بوده، میانگین سرمایه اجتماعی نیز کمتر و در آنجا که شاخص‌های فضای شهری دارای میانگین بالاتری بوده، میانگین سرمایه اجتماعی نیز بیشتر بوده است. به عبارت دیگر؛ همزمان با رشد میانگین شاخص‌های فضای شهری، میانگین سرمایه اجتماعی نیز افزایش یافته است.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس درباره رابطه وضعیت کیفی فضاهای شهری (محلات) و سرمایه اجتماعی و تناسب، هویت، سرزندگی و دسترسی به فضای شهری

سطح معناداری غف ا	ت	میانگین مجذورات بلاع مل ذغ ک مد	درجه آزادی غ ع	مجموع مجذورات بلاع مل ذغ ک مد	سرمایه اجتماعی وضعیت کیفی فضاهای شهری (محلات)
۰/۰۰۱	۱۵/۰۱۸	۴۲۲/۹۲۰	۲	۸۴۵/۸۳۹	مقایسه بین گروهی
		۲۸/۱۶۱	۳۸۱	۱۰۷۲۹/۴۹۴	مقایسه درون گروهی
			۳۸۴ نفر	۱۱۵۷۵/۳۳۳	جمع
۰/۰۰۱	۵۹/۳۹۷	۱۵۱۰۰/۰۱۷	۲	۳۰۲۰۰/۰۳۴	مقایسه بین گروهی
		۲۵۴/۲۲۰	۳۸۱	۹۶۸۵۸/۰۰۵	مقایسه درون گروهی
			۳۸۴ نفر	۱۲۷۰۵۸/۰۳۹	جمع
۰/۰۰۱	۳۲/۵۰۲	۴۲۶۸/۵۴۲	۲	۸۵۳۷/۰۸۴	مقایسه بین گروهی
		۱۳۱/۳۳۳	۳۸۱	۵۰۰۳۷/۹۰۶	مقایسه درون گروهی
			۳۸۴ نفر	۵۸۵۷۴/۹۹۰	جمع
۰/۰۰۱	۱۹/۶۷۸	۳۲۶۰/۶۴۷	۲	۶۵۲۱/۲۹۳	مقایسه بین گروهی
		۲۵۴/۲۲۰	۳۸۱	۶۳۱۳۳/۰۵۸	مقایسه درون گروهی
			۳۸۴ نفر	۶۹۶۵۴/۳۵۲	جمع
۰/۰۰۱	۸/۶۸۶	۲۴۷۳/۲۶۶	۲	۴۹۴۶/۵۳۳	مقایسه بین گروهی
		۲۸۴/۷۵۲	۳۸۱	۱۰۸۴۹۰/۴۲۶	مقایسه درون گروهی
			۳۸۴ نفر	۱۱۳۴۳۶/۹۵۹	جمع

همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس درباره رابطه وضعیت کیفی فضاهای شهری با شاخص‌های فضای شهری (تناسب، هویت، سرزندگی و دسترسی) و سرمایه اجتماعی بیانگر این موضوع است که با توجه به این که سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس، $0.01 < F$ بوده و از مقدار 0.05 کمتر است، در نتیجه فرضیه صفر رد و فرضیه اصلی تحقیق، مبنی بر این که: میزان سرمایه اجتماعی با توجه به وضعیت کیفی فضاهای شهری متفاوت است، تأیید می‌شود.

جدول شماره ۵: نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن بین شاخص‌های فضای شهری (تناسب، هویت، سرزندگی، دسترسی به فضای شهری) با سرمایه اجتماعی

متغیرها	تعداد پاسخگو ح	ضریب اسپیرمن ضریب همبستگی گقدمه قلاب	مقدار معنی داری F
تناسب فضای شهری / سرمایه اجتماعی	۳۸۴	۰.۳۸۳	۰.۰۱ / $\$$
معنی (هویت) فضای شهری / سرمایه اجتماعی	۳۸۴	۰.۳۲۳	۰.۰۱ / $\$$
سرزندگی فضای شهری / سرمایه اجتماعی	۳۸۴	۰.۳۸۶	۰.۰۱ / $\$$
دسترسی به فضای شهری / سرمایه اجتماعی	۳۸۴	۰.۲۵۱	۰.۰۱ / $\$$

درباره فرضیه دوم تحقیق (بین تناسب فضای شهری و سرمایه اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد) لازم به ذکر است که یافته‌های تحقیق بیانگر این موضوع است که با توجه به مقدار ضریب اسپیرمن بدست آمده (ضریب اسپیرمن = 0.383) و با توجه به اینکه مقدار یا سطح معناداری ($0.01 < F$) پایین تر از 0.05 است، در نتیجه فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه دوم مبنی بر اینکه بین تناسب فضای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود. درباره فرضیه سوم که عبارت بود از: بین معنی (هویت) فضای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد، باید گفت که با توجه به مقدار ضریب اسپیرمن بدست آمده (ضریب اسپیرمن = 0.323) و با اینکه مقدار یا سطح معناداری ($0.01 < F$) پایین تر از 0.05 است، در نتیجه فرضیه صفر رد و فرضیه سوم مبنی بر اینکه بین معنی

(هویت) فضای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد، تایید می‌شود. همچنین در خصوص فرضیه چهارم که عبارت بود از: بین سرزندگی فضای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد، باید گفت که با توجه به مقدار ضریب اسپیرمن به دست آمده (ضریب اسپیرمن = 0.386) و با توجه به اینکه مقدار یا سطح معناداری (0.01 / ؟ **فصل**) پایین تر از 0.05 است، در نتیجه فرضیه صفر رد و فرضیه چهارم مبنی بر اینکه بین سرزندگی فضای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد، تایید می‌گردد. و نهایتاً در خصوص فرضیه آخر (پنجم) که عبارت بود از: بین دسترسی به فضای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد، باید گفت که با توجه به مقدار ضریب اسپیرمن بدست آمده (ضریب اسپیرمن = 0.251) و با توجه به اینکه مقدار یا سطح معناداری (0.01 / ؟ **فصل**) پایینتر از 0.05 است، در نتیجه فرضیه صفر رد و فرضیه پنجم مبنی بر اینکه بین دسترسی به فضای شهری با سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد، تایید می‌شود.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش این موضوع را تایید می‌کند که: بین فضاهای شهری و مناسبات و عمل اجتماعی ارتباط دو سویه معناداری وجود دارد؛ فضاهای شهری بر کمیت و کیفیت ارتباطات و تعاملات اجتماعی اثر گذار بوده و نقش اجتماع هم در تولید این فضاها، حیاتی و تردید نکردنی است. تحلیل داده‌ها، نقش با اهمیت فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی را به روشنی مشخص ساخت، به این صورت که هر چه وضعیت کیفی فضاهای شهری و شاخص‌های مربوط به آن بهبود پیدا کند، میانگین اعتماد، همبستگی و مشارکت اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت و برعکس. از این رو ضروری است که توجه جدی تری به این فضاها معطوف شده و برای طراحی و ایجاد این فضاها سرمایه گذاری بیشتری انجام شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود: ۱- از آنجا که فضاهای با هویت می‌توانند تا حد زیادی دیرپایی اجتماع در مقابل جریان‌های جدایی انداز و مشوق انزوای انسان‌ها را در شهر

مدرن، تضمین نمایند، پس توجه بیش از پیش و سرمایه گذاری بر روی این فضاها یکی از ابزارهای مقابله با این جریان‌ها است. ۲- توجه به الگوهای سنتی شهرسازی و تلفیق آن با الگوهای مدرن در کشورمان ضمن آن که به تکرر فرهنگی شهرها کمک می‌کند می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مشکلات فضاهای شهری امروزه باشد. ۳- اگر خواهان یک جامعه با نشاط و پویا، تعاملات اجتماعی سازنده و مشارکت مردم در امور شهرها هستیم چاره‌ای جز این نداریم که به خلق فضاهای شهری سرزنده و پویا روی بیاوریم. ۴- امکان دسترسی برابر همه افراد جامعه به فضاهای شهری با کیفیت به انسجام اجتماعی کمک کرده و از مرزبندی‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند بنابراین ضروری است که سرمایه گذاری جدی تری از طرف مسئولین و برنامه ریزان شهری در این باره صورت گیرد.

منابع:

- ۱- افروغ، عماد (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری‌های اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس: تهران.
- ۲- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، انتشارات سلام، تهران.
- ۳- تانکیس، فرن (۱۳۸۸)، فضا، شهر و نظریه اجتماعی مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران: تهران.
- ۴- حبیبی، سیدمحسن (۱۳۷۸)، مقاله: «جامعه مدنی و حیات شهری»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، پاییز ۱۳۷۸، صص ۲۱-۳۱.
- ۵- زیمل، گئورگ (۱۳۷۲)، کلانشهر و حیات ذهنی، ترجمه یوسف اباذری، مجله نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره سوم، صص ۵۳ تا ۶۶.
- ۶- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، مقاله: سرمایه اجتماعی، مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، جلد ۲، صص ۱۸ تا ۱۸.

